

پرتقال (مانگا) (۲)

ایچیگو تاکانو

مترجم: فائزه محمدلو



پرتقال (مانگا) (۲)

..... نویسنده: ایچیگو تاکانو • مترجم: فائزه محمدلو
..... مدیرگروه ترجمه: اکرم شکرزاده • ویراستار: سمیه شکرزاده
..... ناشر: نگاه آشنا • طراحی جلد: مجید غلامحسینی
..... صفحه آرا: استودیو جوانه • تاریخ و نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲
..... شمارگان: ۵۰۰ نسخه • شابک دوره: ۵-۹۵-۵۲۶۰-۶۲۲-۹۷۸
..... شابک: ۷-۹۱-۵۲۶۰-۶۲۲-۹۷۸

کلیه حقوق این اثر ترجمه، متعلق به «انتشارات نگاه آشنا» می باشد و هرگونه خرید و فروش با مترجم و یا کپی از متن کتاب غیرقانونی بوده و قطعاً پیگرد قانونی خواهد داشت.

سرشناسه: تاکانو، ایچیگو، ۱۹۸۶ - م. Takano, Ichigo, ۱۹۸۶ - عنوان و نام پدیدآور: پرتقال (مانگا) / ایچیگو تاکانو؛ مترجم فائزه محمدلو؛ ویراستار سمیه شکرزاده. □ مشخصات نشر: قم: نگاه آشنا، ۱۴۰۲ - □ مشخصات ظاهری: ج.: م. صور. شابک: دوره ۵-۹۵-۵۲۶۰-۶۲۲-۹۷۸؛ ج ۱: ۵-۹۵-۵۲۶۰-۶۲۲-۹۷۸؛ ج ۲: ۷-۹۱-۵۲۶۰-۶۲۲-۹۷۸؛ ج ۳: ۴-۹۲-۵۲۶۰-۶۲۲-۹۷۸؛ ج ۴: ۱-۹۴-۵۲۶۰-۶۲۲-۹۷۸؛ ج ۵: ۸-۹۴-۵۲۶۰-۶۲۲-۹۷۸؛ وضعیت فهرست نویسی: فیپا □ یادداشت: کتاب حاضر از متن انگلیسی با عنوان «Orange» به فارسی ترجمه شده است. □ موضوع: قضا و قدر -- داستان ها، مجله ها و فکاهیات تصویری □ Fate and fatalism □ Comic books, strips, etc. -- روابط زن و مرد -- داستان ها، مجله ها و فکاهیات تصویری □ Man-woman relationships -- Comic books, strips, etc. □ سفر در زمان -- داستان ها، مجله ها و فکاهیات تصویری □ Time travel -- Comic books, strips, etc. □ داستان ها، مجله ها، و فکاهیات تصویری -- ژاپن -- ترجمه شده به انگلیسی □ Comic books, strips, etc. -- Japan -- Translations □ into English □ شناسه افزوده: محمدلو، فائزه، ۱۳۷۴ - ، مترجم □ رده بندی کنگره: NC۱۷۶۳ □ رده بندی دیویی: ۵/۷۴۱ □ شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۰۹۲۶۳ □ اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

۰۹۱۲۱۵۱۰۴۸۴ ① ۰۲۵-۳۲۹۲۴۵۸۳

فهرست

فصل هفتم.....	۵
فصل هشتم.....	۴۷
فصل نهم.....	۸۹
فصل دهم.....	۱۳۴
فصل یازدهم.....	۱۷۰
فصل دوازدهم.....	۲۰۹

پرتقال
فصل ہفتم



۱۵ جولای

- آخرین روز جشنواره.
- امروز هم سووا جاش رو با من عوض کرد تا بازم کنار کا کرو باشم.
- وقتایی که با کا کرو تنها می شم، استرس بدی می گیرم و زبونم نمی چرخه یه کلمه باهاش حرف بزنم.

















همیشه یه
چیزی هست....

که نامه‌ای
که از آینده اومده،
ازم می‌خواد
تغییرش بدم.

دو درخواست
هست که نتونستم
بهش عمل کنم.

ولی...



◎ ازت می‌خوام اون روز کاکرو رو دعوت نکنی
بیرون. به هیچ عنوان.

◎ بهش بگو واقعاً چه احساسی داری.

دعوت نکردن
کاکرو روز
جشن شروع
سال تحصیلی
...

کنجکاوم
بدونم...

این
تغییرات...

چه تأثیری
روی آینده
می‌داشته؟

و مانع
آشنا شدن
کاکرو و
یودا سنپای
نشدم...

اصلاً نمی‌خواستم
رنج و اندوهی
وارد زندگی
کاکرو کنم.

باید به تمام
نصیحتای نامه
عمل می‌کردم...

فرقی نمی‌کرد
چی باشه.

نمی‌خواستم
حتی
یه دونه
حسرت هم
داشته باشم.

◎ آخر جشنواره من و کاکرو، با همدیگه آتیش‌بازی رو
تماشا کردیم.

خوب بود.

• امروز قراره کلی شگفت‌زده بشی، اگه خودِ واقعی‌ت
باشی، بیشتر بهت خوش می‌گذره.











